

## انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز ظهور.....

سید محمد حسینی شاهرودی  
استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### چکیده

این مقاله می‌کوشد نقش انقلاب اسلامی را در زمینه‌سازی ظهور آن منجی یگانه دوران ترسیم نماید. راقم این سطور پذیرفته است که گسترش فرهنگ مهدویت و محبت مردم به امام زمان (ع) موجب شده که کشور ایران به عنوان کشور امام زمان شناخته شود.

کلیدواژه‌ها: ظهور، انقلاب اسلامی، امام زمان (عج).

### مقدمه

جوامع انسانی دارای مؤلفه و شاخصه‌هایی هستند که به خاطر آنها شهرت می‌یابند. یکی از شاخصه‌های مهم جامعه اسلامی ایران، اهل بیت محوری است؛ بدین معنا که گوشت و پوست مردم ایران با محبت پیامبر (ص) و خاندان او در آمیخته است و مردم ایران به پیامبر و اهل بیت او بسیار احترام گذاشته و به آنان عشق می‌ورزند. عزاداری مردم ایران برای اهل بیت (ع) و برگزاری مراسم جشن به مناسبت ولادت آنان، بیانگر عشق و محبت آنان به اهل بیت است. یکی از مصادیق بارز اهل بیت محوری مردم ایران در اعتقاد آنان به امام زمان (عج) ظهور کرده است. مردم ایران با عشق امام زمان زندگی نموده و او را تنها منجی عالم می‌دانند. آنان باور دارند که امام زمان (ع) حکومت جهانی تشکیل داده و جهان را پر از عدل

و داد خواهد نمود. البته اعتقاد به مصلح کل از باورهای عمومی تمام ادیان و مذاهب است و همه جهانیان بدان اعتقاد دارند، ولی فرهنگ مهدویت باوری در ایران اسلامی به گونه‌ای پررنگ است که جهانیان، جامعه اسلامی ایران را به عنوان جامعه امام زمانی می‌شناسند. در واقع تنها کشوری که اکثر جمعیت آن شیعه بوده و براساس فقه شیعه و اصول اعتقادات و باورهای شیعه پی‌ریزی شده، و طبعاً اعتقاد به امامان و از جمله امام زمان (عج) به صورت اکثریت قاطع در آن وجود دارد، تنها ایران است.

همچنین مردم ایران عقیده دارند که امام زمان (عج) آنان را در پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت یاری کرده، امروز نیز از آنان در صحنه‌های مختلف حمایت می‌کند و مردم ایران مورد عنایت خاص امام زمان (ع) هستند. از سوی دیگر آنان عقیده دارند انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز انقلاب مهدی (عج) است و امیدوارند که حکومت ایران به حکومت امام زمان متصل گردد.

### آمدگی ظهور؛ اصلاح یا افساد

دعای اکثر مردم ما درخواست آمدگی برای فرج و ظهور امام زمان (عج) از خداوند می‌باشد؛ از طرفی در روایات می‌خوانیم، در موقع ظهور آن حضرت فساد خشکی و دریا را فرامی‌گیرد. پس ما باید چگونه آماده شویم؟

باید گفت: بین آمدگی برای ظهور و فساد سراسری در آخر الزمان منافاتی نیست، بلکه آنچه از روایات استفاده می‌شود اینکه در آخر الزمان سراسر زمین را ظلم و ستم فرامی‌گیرد و در عین حال گروهی از شیعیان و مؤمنان چون کوهی استوار آماده ظهور امام زمان علیه السلام هستند تا در زیر لوای حضرتش، عدالت و معنویت و صلاح را در سراسر گیتی گسترش دهند. و نیز برحسب روایات فراوانی ایرانیان همان گروه مؤمنی هستند که برای زمینه‌سازی ظهور تلاش می‌کنند.<sup>۱</sup>

برای توضیح بیشتر به نقل چند روایت می‌پردازیم:

۱. قال رسول الله (ص): ابشروا بالمهدی رجل من قریش من عترتی یخرج فی اختلاف من

الناس و زلزال فیما الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً و یرضی عنه ساکن السماء و

ساکن الارض....<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم (ص) فرمود: به [حضرت] مهدی بشارت دهید [که او] شخصی از عترت من و از قریش است و ظاهر می شود در حالی که مردم در تزلزل و اختلاف به سر می برند. آنگاه او زمین را از عدل و قسط پُر می کند آنچنان که از ظلم و جور پر شده است [و به دنبال آن] ساکنان آسمان و زمین [از این وضعیت] راضی می شوند.

۲. عن رسول الله (ص) یصیب هذه الامم بلاءٌ حقٌّ لا یجد الرجل ملجأً یلجأ الیه من الظلم فیبعث الیه رجلاً من عترتی فیملأ به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً...<sup>۳</sup>

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود این امت [اسلام] با بلا مواجه می شود به طوری که انسان پناهگاهی را نمی یابد که از ظلم بدان پناه برد آن گاه به سوی چنین انسانهایی شخصی از عترت من برانگیخته می شود و زمین را از عدل و داد پُر می کند همان طور که از ظلم و جور پُر شده است.

۳. امام علی (ع) در وصف مردم در آخر الزمان می فرماید:

تكون له حيرة و غيبة تضل فیها اقوام و یهتدی فیها اخری؛

برای (مهدی ما) سرگردانی (در زمان ظهور است که وقت ظهور چه زمانی فرامی رسد) و غیبتی است که در آن زمان مللی گمراه می شوند و گروهی دیگر بر هدایت ثابت قدم می مانند....

بعد امام (ع) در وصف گروه هدایت شدگان می فرماید:

اولئك خيار هذه الامة مع ابرار هذه العترة.<sup>۴</sup>

آنها بهترین این امت هستند که با خوبان این خاندان (خاندان پیامبر اکرم (ص)) به سر می برند.

این روایت تصریح دارد که مردم آخر الزمان دو گروه اند؛ گروهی به بیراهه و گمراهی کشانده می شوند، و گروهی در شاهراه خیر و صلاح و هدایت ثابت قدم می مانند. در این دوران هر چه اهل باطل و شر و ستم در رفاه و آسایش هستند، اهل حق در سختی به سر می برند زیرا حاکمیت با ظلم و ستم است و اهل حق در اقلیت هستند.

۴. امام سجاد (ع) می فرماید:

ان اهل زمان غیبتة القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره... الدعاة الی دین الله عزوجل سراً و

جهرأ.<sup>۵</sup>

معتقدان به مهدی و منتظران ظهور او در عصر غیبت... (دارای چنین صفاتی هستند که) در پنهان و آشکار مردم را به دین خدا فرامی خوانند.

۵. امام صادق (ع) می فرماید:

... و رایت اصحاب الایات یحقرن و یحقر من یحقرهم.<sup>۶</sup>

مردمان حق را می نگری که خار شمرده می شوند و هر کس به آنها علاقه داشته باشد نیز کوچک شمرده می شود.

برخورد امروز دولتهای مستکبر بویژه آمریکا با مسلمانان نمونه‌ای از تحقق این روایت است. آری در این زمان حفظ دین بسیار سخت است.

۶. پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

لاحدهم اشد بقیة علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء او کالقابض علی جمر القضاء.<sup>۷</sup>

هر یک از آن (مؤمنان) دین خویش را به سختی نگاه می دارد چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند یا آتش پر دوام را در دست نگاه می دارد.

۷. پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل.<sup>۸</sup>

انتظار فرج از جانب خداوند متعال برترین عمل امت من است.

۸. امام علی (ع) می فرماید:

المنتظر لامرنا کالمشحط بدمه فی سبیل الله.<sup>۹</sup>

منتظر امر ما، بسان کسی است که در راه خدا به خون خود غلطیده است.

در چنین زمان پر فتنه‌ای است که به ما دستور داده‌اند هوشیار بوده، مواظب دین خود باشیم زیرا از هر طرف برای گمراهی ما تلاش می شود. زور و زر و تزویر و تبلیغات و سیاست بازی‌ها و تهدیدها و هزار و یک اقدام دیگر بر سر راه ماست تا ما را از دین حق جدا کنند.

۹. امام صادق (ع) می فرماید:

فکن علی حذر و اطلب من الله عزوجل النجاة... فکن مترقبا واجتهد لیراک الله عزوجل فی

خلاف ما هم علیه.<sup>۱۰</sup>

خود را نگاه دار! و از خدا رهایی و نجات بخواه... هوشیار باش و بکوش تا خدا تو را در راهی غیر

از گمراهی‌هایی که مردمان در آنند، ببیند.

خلاصه سخن این که در برابر ظلم و فساد سراسری که جهان را پر کرده است گروهی مؤمن واقعی هستند که انتظار عدالت گستر را می‌کشند و زمینه‌ساز ظهورند. امام صادق (ع) فرمود:

آنها پولاد دل‌اند و همه وجودشان را یقین به خدا پر کرده است؛ مردمانی سخت‌تر از صخره‌ها.<sup>۱۱</sup>

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

آنها در حالی که پیامبر را ندیده‌اند و امامشان هم پنهان است به سبب یقین قلبی، دارای ایمانی مستحکم‌اند.<sup>۱۲</sup>

همچنین می‌فرماید:

آنها برادران پیامبر (ص) هستند که او را ندیده‌اند، اما به او ایمان دارند و او را از صمیم قلب دوست می‌دارند و با تمام وجود، او و دینش را یاری می‌رسانند.<sup>۱۳</sup>

آری چنین مردمانی برترین مردم همه زمان‌ها هستند زیرا خداوند عقل‌ها و فهم‌ها و شناخت آنها را قوت بخشیده است به حدی که امام غائب نزد آنها همچون امام حاضر است و به نهایت درجه اخلاص رسیده‌اند.<sup>۱۴</sup>

چقدر مقام آنها بالاست که پاداش یک نفر این گروه همانند پاداش پنجاه صحابه پیامبر (ص) است که در رکاب آن حضرت در جنگ‌های بدر و احد و حنین جنگیده‌اند، زیرا سختی‌ها و آزارها و رنج‌هایی که بر آنان وارد می‌شود، فوق طاقت اصحاب پیامبر (ص) است و اگر چنین رنج‌ها و آزارهایی به اصحاب پیامبر (ص) می‌رسید، شکیبایی نمی‌داشتند.<sup>۱۵</sup> پس باید بکشیم جزء این گروه باشیم تا ناممان را در فهرست یاران با اخلاص حضرت بقیة الله الاعظم (عج) ثبت کنند و جزء برادران و دوستان پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و شهدای در رکابش شمرده شویم.

### انقلاب‌های قبل از قیام مهدی (عج)

برخی شبهه‌ای را مطرح می‌سازند و به احادیثی استناد می‌کنند که هر قیامی پیش از قیام قائم آل محمد (ص) است و با این گونه احادیث می‌خواهند چنین القا کنند که انقلاب اسلامی و قیام مردم ما نیز مردود است.

نخست باید دانست که لزوم تشکیل حکومت اسلامی امری مهم و حیاتی است زیرا که بخش عظیمی از قوانین اسلامی، برنامه‌هایی سیاسی اجتماعی است که جز در پرتو تشکیلات و حکومت قابل اجرا نیست. و چون این احکام دائمی است و در زمان غیبت هم لازم الاجراست، بنابراین هرگاه تشکیل حکومت امکان داشته باشد به عنوان مقدمه اجرای احکام الهی، واجب است به آن اقدام گردد.<sup>۱۶</sup>

ثانیاً آنچه در روایات به عنوان نهی از قیام پیش از قیام حضرت مهدی (عج) آمده معنا و مفهوم خاصی دارد که نیاز به تحقیق جامع دارد. روشن است که احادیث در هر موضوعی هم از حیث سند و راویان باید مورد بررسی قرار گیرند و هم از جهت محتوا و مضمون، در بحث قیام پیش از ظهور مهدی (عج) نیز چنین است. بسیاری از روایات این بخش غیر قابل اعتمادند و آنها که معتبرند تنها قیام‌هایی را مردود می‌شمارند که:

۱. رهبر آن مدعی مهدویت باشد و به عنوان قائم آل محمد (ص) قیام کند.<sup>۱۷</sup>

۲. هدف غیر الهی داشته باشد یا بدون تهیه مقدمات و اسباب لازم و قبل از فرا رسیدن زمان مناسب اقدام شود.

اما اگر رهبر قیام نه به عنوان مهدویت و نه به منظور تأسیس حکومتی در برابر حاکمیت الله، بلکه به منظور دفاع از اسلام و قرآن و مبارزه با ظلم و استکبار و به قصد تأسیس حکومت اسلامی و اجرای کامل قوانین آسمانی قیام کرد و مقدمات نهضت را نیز پیش‌بینی نمود و مردم را به یاری طلبید، روایات مذکور چنین نهضت و انقلابی را مردود نمی‌شمارند و پرچم چنین نهضتی را پرچم طاغوت نمی‌دانند. تأسیس چنین حکومتی به منظور حاکمیت الله و در مسیر حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و زمینه‌ساز آن می‌باشد. بنابراین احادیث مذکور مخالف چنین قیام و نهضتی نخواهند بود.<sup>۱۸</sup>

اگر روایات مذکور به معنای ظاهری آنها که برخی تصور کرده‌اند، گرفته شود، معنای آن وجوب سکوت در برابر همه ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها است و این مخالف صریح قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام است زیرا اسلام دین عدالت است و مردم را به عدالت و زندگی عادلانه دعوت کرده و سکوت در برابر ظلم و کفر را جایز ندانسته است.

بنابراین برداشت غلط، قیام امام حسین علیه‌السلام نیز تنها برای ایشان جایز بود و عملی نیست که بشود از آن پیروی کرد و کلام امام حسین علیه‌السلام خطاب به کوفیان که فرمود:

«فلکم فی اسوه» همانا من برای شما الگو هستم،<sup>۱۹</sup> لغو می‌گردد و ما تنها موظفیم برای امام حسین عزاداری کنیم و پیروی از سنت و روش آن حضرت برای ما جایز نیست. ضمن اینکه قیام علیه طاغوت و ظلم مقدمه تشکیل حکومت عدل است و اگر ما پیش از ظهور دعوت به سکوت شده باشیم، آیاتی که دلالت بر جامعیت اسلام دارد مانند (مائده، ۳۳-۳۸؛ نور، ۲؛ حجرات، ۹؛ انفال، ۳۹-۶۰) و همچنین روایات متعددی که بر این واقعیت دلالت دارند لغو می‌گردند.

بنابراین معنای روایات چیز دیگری غیر از آن است که برخی وجوب سکوت را برداشت کرده‌اند. پاسخی که می‌توان برای تفسیر این روایات داد چنین است:

الف. این روایات چنان که از محتوا و مضامین آنها به دست می‌آید به خلافت بنی امیه و بنی عباس و دیگر فتنه‌ها و مصیبت‌هایی که در آن زمان اتفاق می‌افتاده نظر داشته‌اند، زیرا احادیث (مخالف قیام) در شرایطی صادر شده است که عده‌ای از علویان و یا حتی از عباسیان، برای مقابله با حکومت اموی و با استفاده از جهل مردم، خود را به عنوان مهدی موعود که پیامبر (ص) و عده ظهور او را بشارت داده بود، قلمداد می‌کردند و از مردم برای خود به عنوان مهدی منتظر بیعت می‌گرفتند. در چنین اوضاعی ائمه (ع) با موضع‌گیری بجا جلوی سوء استفاده آنان را گرفتند. شاهد این قضیه این است که «مهدی عباسی» که یکی از خلفای ظالم عباسی است به همین جهت لقب مهدی به خود داده و از مردم بیعت گرفت و نیز محمد بن عبدالله بن الحسن - معروف به نفس زکیه - به نام مهدی موعود برای خود از مردم بیعت می‌گرفت و حتی از امام صادق (ع) نیز خواست که به نام مهدی آل محمد (ص) با او بیعت کند و همراه او در جنگ با بنی امیه شرکت نماید! وقتی امام صادق (ع) حاضر به بیعت با این عنوان نشد «عبدالله» پدر محمد، سخت عصبانی شد و به حضرت، سخنان ناروایی نیز گفت.<sup>۲۰</sup> در این مناظره حضرت به عبدالله فرمود: نه پسر تو آن مهدی موعود است و نه الان وقت قیام است و اگر می‌خواهید برای خدا غضب کرده و امر به معروف و نهی از منکر نمایید شما پدر محمد و شیخ ما هستی و اگر رهبری قیام را بر عهده بگیرید ما نیز با شما بیعت می‌کنیم.<sup>۲۱</sup> این روایت خود دلیل بر این است که از نظر ائمه هر قیامی محکوم نبوده بلکه امام (ع) برای شرکت در قیامی که برای امر به معروف و نهی از منکر باشد اعلام همکاری نیز نموده است و این گونه قیام و انقلاب را امضا کرده و مشروع دانسته

است. غالب روایات نهی از قیام که مخالفین به آن استناد نموده‌اند، از این نوع روایات است و در چنین فضایی صادر شده است.

ب. در آن زمان - و حتی زمان‌های بعدی - افرادی در مقابل حکومت‌های ظالم و باطل، مردم را به اطاعت از خویش فرامی‌خواندند و ائمه (ع) شیعیان خود را از پیوستن به این گروه‌ها نهی فرمودند تا به ظلم کمک نشود. اما در مقابل، کسانی که مردم را به اقامه حق و بازگرداندن حکومت به اهلش دعوت می‌کردند مورد حمایت ائمه بوده‌اند.

ج. بسیاری از روایات در قضایای شخصی بیان شده است و فرد یا افراد خاصی را از قیام منع می‌کردند که نشان می‌دهد در آن زمان خصوصیت و ویژگی خاصی بوده است که آن افراد به ثمر نمی‌رسیده یا این که قیام او دعوت به خود بوده نه دعوت به حق.

در مقابل این روایات و برداشت غلط از آنها، دلایل متعدد عقلی و نقلی بر این امر قائم است که لازم است در هر زمانی حکومت اسلامی تشکیل گردد تا احکام اسلامی پیاده شود و مقدمه تشکیل حکومت، قیام علیه ظلم و طاغوت است.

### دلیل عقلی

اولاً: احکام اسلام، برای زمانی خاص نیست. اسلام دین جهانی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها، برای هدایت و رستگاری و اقامه عدل برنامه دارد و این اختصاص به زمان حضور معصوم (ع) ندارد، بلکه در زمان غیبت هم جاری و قابل اجرا است.

ثانیاً: اسلام دارای احکام حکومتی است، چنانکه دارای احکام عبادی است و همان‌طور که لازم است احکام عبادی آن - چون نماز و روزه - پیاده شود و در هیچ زمان تعطیل نمی‌شود، احکام حکومتی آن نیز در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست.

ثالثاً: در زمان حضور امام علیه‌السلام، احکام حکومتی را او اجرا می‌کند و در زمان غیبت نیز کسانی که از جانب امام اجازه دارند باید جامعه را اداره کنند.

### دلایل نقلی

روایات متعددی فقها را بر مردم حاکم می‌داند و لازمه این امر، تشکیل حکومت و قیام برای این معناست. همچنین روایاتی صفات ویژه‌ای (چون عقل و درایت، ایمان، عدالت، علم و



فقاہت، قدرت و تدبیر رهبری، آلوده نبودن به خصصیت‌های ناپسند، مرد بودن، پاک‌زادی، ... را برای رهبر جامعه اسلامی و فقیهی که باید رهبری جامعه و قیام علیه طاغوت را بر عهده بگیرد بیان می‌فرماید تا قیام وی بر اساس عدل و داد باشد نه حیله و نیرنگ و دعوت به خود. در اینجا به چند روایت که فقها را به عنوان حاکم معرفی می‌کند اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

فانی قد جعلته علیکم حاکما. ۲۲

من او (فقیه) را بر شما حاکم قرار دادم.

این روایت به طور مطلق فقها را حاکم می‌داند و نصب عام امام برای همه زمانها جاری است. امام در ادامه می‌فرماید:

پس آنگاه که به حکم ما حکم داد اگر از وی نپذیرفتند، بی‌گمان حکم خدا را سبک شمرده‌اند و به ما پشت کرده‌اند و کسی که به ما پشت کند به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است.

یکی از احکام چنین فقیهی - همانند امام خمینی - قیام علیه ظلم و طاغوت است و مطابق این روایت نمی‌توان از آن سرپیچی کرد. بنابراین قیام برای خود و براساس حیله و نیرنگ، حرام است، اما قیام پشت سر فقیه جامع‌الشرایط، عمل به دستور صریح امام است و شرکت در چنین قیامی واجب است.

۲. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید:

ان المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام كحصن سور المدينة لها. ۲۳

مؤمنان فقیه دژهای اسلام هستند همانند دژ اطراف شهر برای شهر.

این روایت و روایت امام صادق علیه‌السلام را اگر با روایت ذیل، که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده بیاوریم، نتیجه کامل‌تر می‌شود. پیامبر خدا فرمود:

الفقهاء امناء الرسول ما لم يدخلوا فی الدنيا. قيل یا رسول الله و ما دخولهم فی الدنيا؟ قال اتباع السلطان، فاذا فعلوا ذلك فاحذروهم علی دینکم. ۲۴

فقها مادامی که در دنیا وارد نشده‌اند، امین پیامبران هستند. پرسیده شد: ورود آنها به دنیا چگونه است؟ فرمود: با پیروی از سلطان، هرگاه اینگونه شدند از آنها نسبت به دینتان برحذر باشید.

روشن است که عدم تبعیت از سلطان، در بسیاری از موارد موجب درگیری می‌شود و لازم است چنین فقیهی در مقابل زورگویی‌های سلطان قیام کند، چنانکه در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده است.

احادیث از این دست بسیار است و نقل همه آنها ضروری نیست. گذشته از اینها روایات متعددی درباره آخر الزمان و علائم ظهور است که اشاره دارد پیش از قیام و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، حکومت‌های شیعی و مورد تأیید امام تشکیل می‌شود و در دنیای پر از ظلم و جور آن زمان، مردم را به حق و عدالت دعوت می‌کنند. در این روایات به قیام ایرانیان و حکومت آنها اشاره شده است.<sup>۲۵</sup>

پس نه تنها حکومت جمهوری اسلامی، مصداق روایاتی که نهی از قیام می‌کند نیست، بلکه به دلیل عقل و نقل مصداق واقعی حکومت زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است زیرا به رهبری فقیهی جامع شرایط و آگاه به شرایط زمان و مکان شکل گرفته است. رهبری که انگیزه الهی او و اخلاص او مورد اعتراف دوست و دشمن بود. همگان می‌دانستند که او جز برای اهداف الهی و اسلامی و اجرای قوانین الهی قیام نکرد و او در این مسیر پیوسته مورد تأیید عالمان دینی و متفکران اسلامی اعم از شیعه و سنی بود.

### امکان زمینه‌سازی جامعه موعود

شاید این پرسش مطرح شود که آیا اصلاحات فرهنگی و اجتماعی در جهان کنونی قادر به زمینه‌سازی جامعه موعود می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت: چنانکه ذکر شد از برخی روایات برمی‌آید که هنگام ظهور حضرت حجت (عج)، دنیا پر از ظلم و ستم می‌شود. برخی از افراد بدون توجه به احادیث دیگر و آیات فراوان قرآن کریم، در تفسیر و توضیح این گونه روایات بیان می‌دارند که برای ظهور حضرت باید همه جوامع بشری، کشورها، شهرها، قریه‌ها و حتی خانه‌ها از ظلم و فساد پر شود تا پر شدن جهان از ستم (کما ملئت ظلماً و جوراً) صدق کند؛ در حالی که با دقت در این احادیث و دستورهای دیگر اسلام، باید گفت هرگز نمی‌توان چنین معنایی را از این احادیث برداشت کرد؛ زیرا مراد از پر شدن، پر شدن نسبی

است نه حقیقی! به عبارت دیگر، منظور، فراوانی ظلم و ستم است. از این رو، از این احادیث نمی‌توان نتیجه گرفت که مردم نیز باید برای تحقق معنای روایات به آشفته‌تر شدن جهان کمک کنند تا زمینه‌سازی ظهور صورت بگیرد. آری، مراد آن است که جهان در عصر ظهور، رو به وخامت می‌نهد.

نکته دیگر اینکه در مقابل، احادیث فراوانی داریم که گروه‌هایی با حرکت‌های اصلاح‌طلبانه در جوامع بشری، زمینه‌ساز ظهور حجت خواهند بود. این احادیث در برخی از کتب گرد آمده است،<sup>۲۶</sup> که به یکی از آنها اشاره می‌گردد: پیامبر خدا (ص) فرمود: «مردمی از مشرق خروج می‌کنند و برای حضرت مهدی زمینه‌سازی می‌کنند».<sup>۲۷</sup>

علاوه بر این، از مسلمات دین اسلام است که بی‌توجهی در مقابل فسادها و نابسامانی‌های اجتماعی با روح تعالیم اسلام ناسازگار است؛ از این رو زمینه‌سازی به مفهوم سکوت و بی‌توجهی نیست؛ بلکه به معنای تلاش و جدیت فراوان برای مقابله با اوضاع آشفته جهان است.

به نظر می‌رسد ظهور حضرت، زمانی است که جبهه حق و باطل در اوج تقابل هستند. ظالمان و ستمگران اکثر جهان را در تصرف خود دارند و به ظلم و ستم ادامه می‌دهند، و صالحان زمین نیز در عین مظلوم بودن به تلاش برای مقابله با این ستمها می‌پردازند. در واقع اصلاحات اجتماعی نه تنها زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج) است، بلکه از بدیهیات دین اسلام است که انسان در برابر ظلم و فساد، نباید سکوت کند.

درباره ظهور حضرت این نکته نیز اهمیت دارد که پر شدن جهان از ظلم و ستم، شرط ظهور حضرت نیست بلکه نشانه آن است. شرط ظهور، آمادگی و لیاقت انسان‌های منتظر است. برای فراهم ساختن زمینه‌های ظهور حضرت حجت (عج) همه مباحث و حقایق در واژه انتظار نهفته است؛ زیرا انسان منتظر تلاش می‌کند خود را در صفات و خصوصیات به منتظر (کسی که انتظار او را می‌کشد) نزدیک کند. کسی که منتظر مصلح است خود نیز باید صالح و مصلح باشد. به تعبیر زیبای شهید مطهری، انتظار فرج، انتظاری سازنده و نگه دارنده، تعهد آور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است؛ به گونه‌ای که خود نوعی عبادت و حق‌پرستی است.

در نتیجه، صالح بودن و کمک به اصلاح جامعه یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ظهور حضرت حجت خواهد بود. لذا اصلاحات فرهنگی و اجتماعی نه تنها زمینه‌ساز ظهور حجت (عج) بوده بلکه از وظایف هر فردی است که می‌خواهد در گروه یاران حضرت قرار گیرد.

## ایران کشور امام زمان

حضور ایرانیان در عصر زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی، حضوری فعال است و در صحنه‌های مبارزات بزرگ، نقشی عمیق و جدی ایفا می‌کنند. در برخی از احادیث تصریح به حضور فعال عجم در جامعه مهدوی اشاره شده است. البته هر چند مقصود از عجم، ملت‌های غیر عرب است، لیکن به احتمال قوی، بیشترین مصداق آن در هنگام ظهور، ایرانیان خواهند بود، به ویژه که مرکز ثقل تشیع ایران است.<sup>۲۸</sup>

از میان یاران خاص امام زمان که عدد آنها به عدد اهل بدر یعنی ۳۱۳ نفر است،<sup>۲۹</sup> تعداد زیادی ایرانی از شهرهای شیراز، اصفهان، قم، طالقان و دیگر شهرها هستند و هسته اولیه یاران و خواص حضرت را تشکیل می‌دهند.<sup>۳۰</sup>

وظیفه‌ای که ایرانیان برای زمینه‌سازی ظهور حضرت دارند، وظیفه‌ای است که شیعه در عصر غیبت برعهده دارد تا زمینه ظهور حضرت مهیا شود. ایرانیان مانند سایر شیعیان باید خودسازی و انجام وظایف شرعی را سرلوحه خود قرار دهند تا شایستگی همراهی و همدلی با مصلح جهان را داشته باشند، چون هر قومی که منتظر مصلح است، باید خود نیز صالح باشد.

## انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور

با توجه به این که امام خمینی (ره) می‌فرمود: مادر ایران حکومت تشکیل می‌دهیم و پرچم آن را به دست صاحب اصلی آن (امام زمان (عج)) می‌دهیم، باید دید در روایات با این موضوع چگونه برخورد شده است. بی‌شک یکی از مسائل مهم در دوران غیبت کبری، موضوع حکومت اسلامی و ارتباط آن با حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است. بعضی از فقهای شیعه تشکیل حکومت اسلامی را در این دوران ضروری می‌دانند و

می‌گویند اگر فقیه دارای شرایط به این مسئله اقدام کند و حکومت تشکیل دهد، دیگران باید آن را تأیید کنند و حتی از این حکومت پیروی کنند. روایات رانیز می‌توان در این باب به چند دسته تقسیم کرد.

دسته‌ای از روایات از وجود قیام‌ها و حکومت‌های حقی که پیش از ظهور مهدی (ع) پدیدار می‌گردند، خبر می‌دهند. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید:

يُخْرِجُ النَّاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ. ۳۱

مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌سازند.

حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی، محدث معروف اهل سنت در کتابی که درباره مناقب علی (ع) نوشته، بابی را با عنوان «ذکر نصره اهل المشرق للمهدی (ع)» آورده است. وی در این باب حدیث فوق را نقل کرده و در ذیل آن نوشته است:

هذا حدیث حسن، صحیح روثه الثقات والاثبات، أخرجه الحافظ ابو عبدالله بن ماجه القزوينی، فی سننه. ۳۲

این حدیث، حدیثی است حسن و صحیح که آن را راویان موثق روایت کرده‌اند، و حافظ ابن ماجه قزوینی، این حدیث را در کتاب سنن خود آورده است. ۳۳

در برخی از روایات دیگر به شکل گرفتن دولت حقی پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) اشاره شده است که این حکومت تا قیام آن حضرت ادامه می‌یابد. امام باقر (ع) می‌فرماید:

كأني بقوم قد خرجوا بالمشرق، يطلبون الحق فلا يعطونه، ثم يطلبونه فلا يعطونه فاذا راوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم فيعطون ما سألوها، فلا يقبلونه، حتى يقوموا، ولا يدفعونها الا الى صاحبكم، قتلاهم شهداء اما اني لو ادركت ذلك لا بقيت نفسي لهذا الامر. ۳۴

گویا می‌بینم مردمی از مشرق که در طلب حق قیام کرده‌اند، ولی (حاکمان) پاسخی نمی‌دهند. پس از مدتی دوباره قیام می‌کنند، این بار نیز به آنان پاسخی داده نمی‌شود، ولی چون وضع را چنین می‌بینند، شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان می‌نهند. در این هنگام آنچه را که می‌خواهند، به آنان می‌دهند، اما نمی‌پذیرند و دست به قیام می‌زنند (و رژیم حاکم را ساقط و حکومت حقی را که می‌خواستند تشکیل می‌دهند). اینان این حکومت را جز به صاحب شما (حضرت مهدی (ع)) تسلیم نمی‌کنند. کشتگان این قیام همه شهید به شمار می‌آیند. اگر من، آن زمان را درک کنم خود را برای خدمت مهدی نگه می‌دارم.

در سنن ابن ماجه،<sup>۳۵</sup> کنز العمال،<sup>۳۶</sup> الملاحم والفتن،<sup>۳۷</sup> روایتی نزدیک به مضمون این روایت آمده است، با این تفاوت که این حدیث، از پیامبر اکرم (ص) و از طریق اهل سنت و آن روایت از طریق شیعه از امام محمد باقر (ع) نقل شده است. هر دو، به این معنی اتفاق دارند که پیش از انقلاب جهانی مهدی (ع)، انقلابی در شرق رخ می دهد که به انقلاب جهانی مهدی، متصل می شود. سید بن طاووس، این حدیث را به صورتی دقیق تر از کتاب «الفتن» تألیف نعیم بن حماد خزاعی که از محدثین بزرگ اهل سنت است و در قرن دوم و سوم هجری می زیسته، نقل کرده است:

نعیم بن عبدالله، به سند خود از ابراهیم بن علقمه از عبدالله نقل می کند که ما روزی نزد پیامبر اسلام (ص) نشسته بودم که گروهی از بنی هاشم نزد ما آمدند. تا چشم پیامبر (ص) به آنان افتاد، رنگش دگرگون و آثار ناراحتی در چهره اش نمایان شد. اصحاب علت ناراحتی را پرسیدند، حضرت چنین توضیح داد:

أنا اهل بیت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا و ان اهل بیتی هولاء یلقون بعدی بلاء و تطریدا و تشریدا حتی یأتی قوم من هاهنا نحو المشرق، اصحاب رایات سود یسألون فلا یعطونه مرتین او ثلاثاً فیقاتلون فینصرون فیعطون ما سألوا فلا یقبلونها حتی یدفعونها الی رجلٍ من اهل بیتی فیملأ الارض عدلا كما ملؤها ظلما، فن ادرك ذلك منكم فلیأتهم ولو حبوا علی الثلج فأنه المهدی.<sup>۳۸</sup>

ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما، آخرت را بر دنیا برگزیده و اینان که خاندان من هستند پس از من دچار بلا و آوارگی و دوری و تبعید از موطن می گردند و این سختیها ادامه می یابد تا زمانی که مردمی از مشرق زمین قیام می کنند. آنان که صاحب پرچمهای سیاه هستند در آغاز قیام، خواسته مردم از حکومت، حق است، ولی سردمداران حکومت زیر بار نمی روند، دو یا سه بار قیام با این انگیزه صورت می گیرد تا اینکه مردم به مبارزه خود ادامه داده و حکومت تسلیم خواسته های آنان می گردد، ولی این بار مردم نمی پذیرند و حکومت جدیدی براساس حق تشکیل می دهند و این حکومت تداوم می یابد. تا اینکه مردم آن را به مردی از خاندان من تحویل می دهند و او زمین را بر از عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم کرده اند. پس اگر کسی از شما آن زمان را درک کند، باید به آن مردم بپیوندد، هر چند سینه خیز روی برف برود، چون او مهدی (ع) است.

برخی احادیث فوق را بر قیام و نهضت امام خمینی حمل کرده‌اند و جمهوری اسلامی را زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (ع) شمرده‌اند.<sup>۳۹</sup>

همچنین برخی روایات دیگر به تشکیل این حکومت در ایران اشاره دارد. امام کاظم (ع) می‌فرماید:

رجل من اهل قم، يدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزبر الحديد، لا تزلم الرياح العواصف، ولا يملون من الحرب، ولا يخبثون، و على الله يتوكلون والعاقبة للمتقين.<sup>۴۰</sup>

مردی از اهل قم قیام می‌کند و مردمان را به سوی حق می‌خواند. گروهی که همچون پاره‌های فولاد، مقاوم هستند، گرد او جمع می‌شوند. آنان را بادهای سهمگین، از پای در نمی‌آورد و هیچ از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند. بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت از آن متقین است.

این حدیث نیز قابل حمل بر حکومت و قیام امام خمینی (ره) است، اگر چه به صراحت در این باره نمی‌توان سخن گفت؛ ولی پر واضح است که سخن امام خمینی (ره) در این زمینه، بدین معنی است که قصد و هدف این بوده که این حکومت زمینه‌ساز حکومت امام زمان (عج) قرار گیرد، و قصد تمام مردم ایران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی نیز باید همین باشد. از این روی احتمال این که مراد از دولت زمینه‌ساز، انقلاب اسلامی ایران باشد و تا ظهور حضرت مهدی (ع) تداوم یابد، بسیار است. ان شاء الله چنان که امام خمینی (ره) فرمود؛ پرچم این انقلاب به دست صاحب اصلی آن، امام زمان (عج) سپرده شود.

### وظیفه زمینه‌سازی

چه باید کرد که امام زمان (ع) از ما راضی شود و عمل ما زمینه قیام آن حضرت را فراهم سازد؟ در پاسخ باید گفت: امام زمان (ع) مانند سایر معصومان علیهم السلام آور اسلام ناب و بیانگر حقایق توحید و معارف دین است. بنابراین پیام آن حضرت در حقیقت همان پیام اسلام است. اما پیام اسلام دو هدف را دنبال می‌کند:

۱. تربیت انسانها در ابعاد مختلف وجودشان که مشتمل است بر اصلاح اعمال، خلیات و رسیدن به معرفت حقیقی نسبت به توحید و معارف دین، که این تربیت افراد، الهی شدن و مصفا شدن آنها هدف اسلام و همه معصومین بوده است.

۲. اصلاح و تربیت جامعه: در این باب ما مسلمانان وظیفه داریم جامعه‌ای اسلامی با حکومت اسلامی بسازیم.

به نظر می‌رسد اسلام زمانی ارائه خواهد شد که تربیت افراد به حکومت ضمیمه شود، چرا که افراد چنانکه به غذا نیاز دارند برای اصلاح خود به حکومت نیازمند هستند. امام حسن عسکری (ع) در وصیت خود، درباره وظایف فردی و اجتماعی مؤمنین چنین می‌فرماید:

قال لشيعة اوصيكم بتقوى الله والورع في دينكم والاجتهاد لله وصدق الحديث و اداء الامانة الى من ائتمنكم من بر او فاجر و طول السجود و حسن الجوار فهذا جاء محمد (ص) صلّوا في عشائركم و اشهدوا جنازتهم و عودوا مرضاهم و ادّوا حقوقهم. فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ اَدَى الْاِمَانَةَ وَ حَسَّنَ خَلْقَهُ مَعَ النَّاسِ قَبِلَ هَذَا شِيعِي، فَيَسْرِقُ فِي ذَلِكَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا شِينًا، جَرِّوْا الْيُنَاكِلَ مَوْدَةَ وَ اَدْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ... اَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذَكَرَ الْمَوْتِ وَ تَلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (ص)... احفظوا ما وصيتكم به...<sup>۴۱</sup>

حضرت به پیروان خود فرمودند: وصیت می‌کنم شما را به تقوای الهی و ورع در دینتان و تلاش برای خدا و راستی در گفتار و اداء امانت به کسی که شما را امین قرار داده چه نیکوکار باشد چه بدکار. و طولانی کردن سجود و نیکویی و حسن همجواری. پس به خاطر اینها پیامبر معبوث شد. در جماعتها نماز بخوانید و تشیع جنازه همدیگر بروید و عیادت از مریضان کنید و حقوق یکدیگر را پرداخت کنید. پس هر کس از شما ورع در دینش داشته باشد و در گفتارش صادق باشد و امانت را ادا کند و با مردم حسن خلق داشته باشد گفته می‌شود این فرد شیعه است، پس این امر مرا خوشحال می‌کند. تقوای الهی داشته باشید و زینت اسلام باشید و باعث زشتی و آبروریزی نباشید. محبتها را به سوی ما جذب کنید و زشتیها را از ما دور کنید. (یعنی بد رفتاری نکنید تا به سبب رفتار بد شما چیزهایی را به ما نسبت دهند.) ذکر خدا و مرگ و تلاوت قرآن و صلوات بر پیامبر (ص) را بسیار داشته باشید و چیزهایی را که به شما وصیت کردم حفظ کنید.

چنانکه ملاحظه می‌شود مواردی که در وصیت آن حضرت ذکر شد از وظایف ماست و امام برای تربیت انسانها آمده است و هدف از انقلاب جهانی حضرت مهدی نیز برپایی



حکومتی است که در پناه آن انسانها به این تربیت می‌رسند. از این رو با توجه به وصیت امام حسن عسکری (ع) و روایات دیگر، وظیفه ما برای زمینه‌سازی ظهور در دو بخش فردی و حکومتی تعیین می‌گردد:

### ۱. وظایف فردی

باید خود را تربیت کنیم و صفاتی را که از ویژگی‌های اصحاب و یاران حضرت «بقیة الله الاعظم» می‌باشد در خود ایجاد نماییم. بطور کلی طریقی که سالک و رونده این راه باید در پیش بگیرد، دائر مدار دو محور اساسی در بحث تربیت معنوی انسان است:

الف. سیر نظری، یا به فرمایش حضرت امام، مجاهدت علمی، یعنی شناخت صحیح و اساسی دین، و پیراستن از آنچه غیر دین است، این کار با تدبّر عالمانه در قرآن و روایات اهل بیت حاصل می‌گردد. همچنین مطالعه دقیق و برنامه‌ریزی شده کتابهایی که اهل فن و اسلام‌شناسان در مورد اسلام نوشته‌اند ما را در این گام به احکام و تکالیف خویش، در ابعاد مختلف آشنا می‌سازد. و برنامه‌ریزی دقیقی را برای اصلاح افکار و اندیشه‌ها، خلیقات و صفات، و رفتار و کردارمان بعمل می‌آورد.

ب. سیر عملی، یا به فرمایش حضرت امام (ره)، مجاهدت عملی؛ این کار با تقلید از احکام ظاهری شریعت، و به جا آوردن آداب انجام می‌پذیرد. اهتمام به واجبات و وظایف دینی، و پرهیز از معاصی، لغزشها و گناهان، دو رکن این حرکت است. مراعات تقوا در همه شئون فردی و اجتماعی، بزرگترین عامل قرب انسان به خداوند و اولیای اوست. در واقع در هر محیطی که هستیم، به خودسازی اقدام می‌کنیم، و با توبه از اعمال گذشته، قلب خویش را برای تجلی و ورود نور الهی آماده می‌سازیم، و سیئات را به حسنات تبدیل می‌نماییم. «ان الحسنات یذهبن السیئات».<sup>۴۲</sup>

قرآن کریم راجع به حضرت مهدی و اصحاب آن حضرت می‌فرماید:

الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر.<sup>۴۳</sup>  
کسانی که اگر در زمین به ایشان قدرت و توانایی دهیم، نماز را به پا داشته، و زکات می‌دهند و به معروف امر نموده، و از منکر نهی می‌کنند.

امام باقر (ع) درباره این آیه شریفه فرمود: این آیه برای آل محمد، مهدی (عج) و اصحاب اوست. در واقع ما برای فراهم کردن زمینه ظهور حضرت، از خود آغاز کردیم، و

در جهت سنخیت خویش با حضرت مهدی (عج) حرکت نمودیم. نسخه‌ای که مقام معظم رهبری نیز تأکیدی زیبا بر آن داشتند، و آن اینکه منتظران و یاوران مصلح جهانی باید خود صالح باشند.

ما باید به برخی از خصوصیات یاران امام عصر «ارواحنا فداء» توجه کنیم، امید است که مشعل راهمان باشد. در روایات متعدد داریم که انتظار فرج در زمان غیبت، از بهترین اعمال است.<sup>۴۴</sup> فرج یعنی نصرت و پیروزی و گشایش، و مقصود عدل‌گستری است که به رهبری امام عصر (عج) شکل می‌گیرد. بنابراین انتظار فرج یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و این خواست آنگاه جدی و راست است، که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد، وگرنه، این انتظار شعار بی‌محتوایی خواهد شد. از این رو در روایات آمده است که انتظار فرج، خود فرج است. زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا، و تأسیس حکومت عدل‌گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد. و او انسانی است که در حضور و غیبت امام نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ندارد. و قبل از تشکیل حکومت عدل، او چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است. بنابراین انتظار فرج حقیقی، ریشه در معرفت به حق و عدل و ایمان، و عشق به آن دارد و آثار آن نیز در عمل نمایان می‌گردد. چنین شخصی، فضایل انسانی را در نفس خویش شکوفا نموده، و به ثمر رسانده است. و در واقع در قلب خود، ظهور سلطنت مطلقه مهدی (عج) را شهود نموده، و طعم آن را چشیده، و رانحه آن را بوییده است. چنین منتظری هر گاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسانی است که پس از ظهور حضرت حجت زنده‌اند، و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کنند.

چنان که در زیارت شریف آن حضرت در روز جمعه، می‌خوانیم: «ان یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین لک علی اعدائک» (از کسانی باشم که در انتظار مهدی (ع) هستند، و از پیروان و یاری‌کنندگان تو علیه دشمن تو قرار گیرم).

پس از حالت انتظار مرحله تبعیت است؛ تبعیت از آرمانهای موعود، و تخلق به آن اخلاق پسندیده و صفات مورد نظر امام (ع)، که در بیان ائمه دیده می‌شود. مؤمن منتظر، تابع فرمانده است؛ نه آنکه به هواهای خویش اقتدا کند. و چنین است که در دعای غیبت

می خوانیم: «و قَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ قَبَّلْنَا عَلَى مَتَابَعَتِهِ...» (خدایا مرا بر اطاعت وی توانا، و بر پیرویش ثابت قدم بدار، و مرا بر این امر (انتظار)، شکیبا گردان؛ تا آنکه شتاب در آنچه تو تأخیرش را می خواهی، و تأخیر در آنچه تو شتاب کرده ای، نخواهم. و از آنچه پوشیده ای، جستجو نکنم و با تو در تدبیرت منازعه نکنم.)

## ۲. وظایف حکومتی

شیعیان باید در زمانی که به امام معصوم دسترسی ندارند، در بین فقها فرد شایسته ای را که نسبت به مسائل اسلامی به ویژه مسائل سیاسی و اجتماعی کاملاً آشنا باشد و از مدیریت و بینش سیاسی نیز برخوردار باشد شناسایی و به رهبری و امامت برگزینند. همچنین آنان وظیفه دارند برای تأسیس حکومت اسلامی و اجرای قوانین و برنامه های سیاسی و اجتماعی اسلام تلاش و جدیت نمایند.<sup>۴۵</sup>

همچنین باید در حفاظت از حکومت اسلامی و دفاع از آرمانهای آن تلاش نمایند و سربازان واقعی آن حضرت باشند. برای حفظ حکومت دو چیز را از ما خواسته اند.

۱. گسترش عدل و داد؛ که در این زمینه حضرت امام (ره) می فرماید:

ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را، در این کشور ولی عصر (عج) حاکم کنیم.<sup>۴۶</sup>

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نیز می فرماید:

غایت ما جامعه آرمانی مهدوی است با همان خصوصیتی که گفتیم. پس ما باید مقدمات را همانگونه فراهم بکنیم. ما باید با ظلم نسازیم و باید بر علیه ظلم حرکت قاطع بکنیم. هر نوع ظلمی و از هر کس، ما باید جهت خود را، جهت اقامه حدود اسلامی قرار دهیم.<sup>۴۷</sup>

۲. پیاده کردن احکام اسلام و صدور این آرمان و پیام به کشورهای دیگر. چنان که مقام

معظم رهبری می فرماید:

هر چه شما بتوانید دایره این مقدار از اسلامی که من و شما در ایران داریم، مبالغه نمی کنیم اسلام کامل البته نیست، اما بخشی از اسلام را این ملت توانسته است در ایران پیاده کند، همین مقدار از اسلام را هر چه شما بتوانید در آفاق دیگر عالم، در کشورهای دیگر، در نقاط تاریک و مظلوم دیگر، گسترش دهید، همان مقدار به ظهور ولی امر و حجت عصر کمک کرده اید و نزدیک شده اید اگر بتوانید در درون خود و جامعه تان، جامعه انقلابی، تقوا و

فضیلت و اخلاق و دینداری و زهد و نزدیکی معنوی به خود و خدا را در خود تأمین کنید پایه و قاعده ظهور ولی عصر (ع) را مستحکم تر کرده‌اید و هر چه بتوانید از لحاظ کمیت و کیفیت مقدار مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش دهید باز به امام زمان و زمان ظهور ولی عصر، نزدیک تر شده‌اید. پس ما می‌توانیم قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر صلوات الله علیه نزدیک کنیم.<sup>۴۸</sup>

### پی‌نوشتها

۱. برای اطلاع بیشتر نگا: عصر ظهور، کورانی، ترجمه عباس جلالی، ایرانیان و نقش آنان در ظهور و زمینه‌سازی ظهور، صفحات ۲۷۵-۲۱۱.
۲. منابع الموده، القندوزی الحنفی، ص ۵۶۲.
۳. الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، الیزدی الحائری، ج ۱، ص ۱۶۶.
۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۸.
۵. کمال‌الدین، شیخ صدوق، ص ۳۲۰.
۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.
۷. همان، ص ۱۲۴.
۸. همان، ص ۱۲۸.
۹. همان، ص ۱۲۳.
۱۰. همان، ص ۲۶۰.
۱۱. همان، ص ۳۰۸.
۱۲. همان، ص ۱۲۵.
۱۳. همان، ص ۱۳۲.
۱۴. کمال‌الدین، ص ۳۲۰.
۱۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.
۱۶. ر.ک. حکومت اسلامی، امام خمینی (ره).
۱۷. ر.ک. سیمای آفتاب، حبیب‌الله طاهری.
۱۸. ر.ک. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.
۱۹. تحف العقول، ص ۵۰۵.
۲۰. سیمای آفتاب، دکتر حبیب‌الله طاهری، ص ۱۴۲، به نقل از ارشاد مفید، ص ۲۶۰.
۲۱. همان، ص ۱۴۳، به نقل از ارشاد مفید، ص ۲۷۷.
۲۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۶۷.
۲۳. همان، ص ۳۸.
۲۴. همان، ص ۴۶.
۲۵. آقای علی کورانی روایات مربوطه را جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است و توضیحات جامعی درباره این روایات داده است. ر.ک. عصر ظهور، کورانی، ترجمه عباس جلالی، ص ۲۱۷-۲۷۵.
۲۶. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، ج ۲، ص ۱۰۳۴ الی ۱۰۶۲.

۲۷. کشف الغمه فی معرفة الانمه، ج ۳، ص ۲۶۷.
۲۸. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۳۸۰.
۲۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.
۳۰. ستارگان درخشان، محمدجواد نجفی، ج ۱۴، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.
۳۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۸.
۳۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷. علامه مجلسی، خلاصه بخشی از کتاب وی را، به نام: «مناقب علی» که روایات مهدی را در آن جمع آورده، آورده است.
۳۳. چشم به راه مهدی، ص ۱۱۴.
۳۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.
۳۵. سنن، ابن ماجه، ج ۲، حدیث ۴۰۸۲.
۳۶. کنز العمال، حسام الدین هندی، ج ۱۴، ص ۲۶۷، حدیث ۳۸۶۷۷.
۳۷. الملاحم والفتن، سید بن طاووس، ص ۵۲.
۳۸. تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی، محمدی ری شهری، ص ۵۶.
۳۹. همان.
۴۰. بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.
۴۱. همان، جلد ۷۵، ص ۳۷۲.
۴۲. هود، آیه ۱۱۴.
۴۳. حج، آیه ۴۱.
۴۴. سنن، ابن عیسی ترمزی، ج ۵، کتاب الدعوات، باب ۱۱۶.
۴۵. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۶۹ - ۲۶۴.
۴۶. کلمات قصار و پندها و حکمت‌ها، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۷. دیدگاهها، مصاحبه با آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۲۱۷.
۴۸. همان، ص ۲۱۶.